

تحلیل زمین‌شناسی سیاسی از ریشه‌های منازعه اخیر؛ چرا ایران به هدف راهبردی در معادلات قدرت جهانی تبدیل شد؟

ایران؛ انبار مواد معدنی جهان



امیرحسین یوسفزاده | نگاه به فرامتن مناقشه‌های دامنه‌دار میان ایران و قدرت‌های استکباری از زاویه علم «زمین‌شناسی» و «ژئوپلیتیک منابع»؛ پرده از واقعیتی برمی‌دارد که نشان می‌دهد در آن، منازعه بر سر ایران نه حاصل یک سوءتفاهم دیپلماتیک و تقابل ایدئولوژیک، بلکه معلول مستقیم قرارگیری یک سرزمین در کانون «سید جامع مواد اولیه صنعتی» و «راهروهای حیاتی قرن بیست و یکم» است.

اگر استعمار کهن در قرن نوزدهم با لشکرکشی برای غارت نفت و طلا صورت می‌گرفت، «استعمار فرامدرن» در عصر گذار به انرژی‌های پاک و هوش مصنوعی، به‌دنبال قفل کردن توسعه بومی کشورهایی است که روی گنجینه‌های حیاتی فردا نشست‌ه‌اند. ایران نه یک جغرافیای معمولی، که انباری متراکم از فلزات استراتژیک، مواد معدنی مهم، عناصر نادر خاکی، انرژی انتقالی و گلوگاه‌های لجستیک است. از این منظر، سیاست «تحریم و انزوا» چیزی جز نسخه به‌روزسانی شده همان اهرم‌های استعماری برای جلوگیری از تکمیل زنجیره ارزش، مانع‌تراشی در فرآوری داخلی و ارزان نگه داشتن یا مسدودسازی ثروت ملتی نیست که جرمش، داشتن جغرافیایی «زیادی ثروتمند» و استقلال «زیادی دردرساز» است.

گزارش تازه آژانس بین‌المللی انرژی با عنوان «چشم‌انداز جهانی مواد معدنی حیاتی ۲۰۲۶» آشکارا می‌گوید رقابت بر سر منابع استراتژیک از یک «ریسک‌تئوریک در کتاب‌های درسی» گذشته و رسماً به یک «بحران آتی در امنیت ملی قدرت‌ها» تبدیل شده است. نخستین تکه پازل، مس است؛ همان فلزی که بدون آن هیچ خودرو و برقی، هیچ توربین بادی و هیچ شبکه هوشمندی روشن نمی‌شود. آژانس بین‌المللی انرژی هشدار می‌دهد جهان تا سال ۲۰۳۵ با کسری جانفرسای ۲۵درصدی در تأمین مس دست و پنجه نرم خواهد کرد. شریان اصلی فرآوری همین فلزات حیاتی، ماده‌ای ناآشنا به نام «اسید سولفوریک» است که خوراک اولیه آن گوگرد است. طبق گزارش IEA، نییمی از تجارت دریایی گوگرد دنیا دقیقاً از گلوگاه تنگه هرمز عبور می‌کند؛ یعنی ناترازی در این آبراهه، فرآوری مس، لیتیم و عناصر نادر خاکی را در آن سوی کره زمین فلج می‌کند.

لایه دیگر این رقابت، انحصار بی‌رحمانه بر سر عناصر نادر خاکی و مواد باتری‌سازی است. آژانس تخمین می‌زند خطرات ناشی از انحصار این منابع می‌تواند سالانه ۶/۵ تریلیون دلار از تولید صنایع‌های تک، خودروهای برقی و تجهیزات نظامی دنیا را سبکته دهد. در سه سال گذشته، قوانین سختگیرانه صادراتی در جهان سه برابر شده و قیمت فلزاتی مانند تنگستن تا ۹ برابر و عناصر نادر در اروپا تا پنج برابر جهش کرده است. از سوی دیگر، گزارش IEA برای نخستین بار فصلی مستقل را به «زنجیره تأمین هسته‌ای» اختصاص داده تا نشان دهد داشتن چرخه بومی سوخت و فرآوری اورانیوم، دیگر فقط یک بحث انرژی نیست، بلکه قلب تپنده امنیت راهبردی در دهه پیش روست.

وقتی این داده‌های جهانی را کنار هم می‌گذاریم، پنهان‌ترین لایه منازعه با ایران خنم‌لای می‌کند: فشارها و تحریم‌های همه‌جانبه، فراتر از یک پرونده سیاسی و اخلاقی هستند. این یک نبرد زیرپوستی برای مهار سرزمینی است که جرمش، دست داشتن روی کلید گلوگاه‌های ترانزیتی و نشستن روی گنجینه‌های معدنی قرن بیست و یکم است.

در گفت‌وگو ی پیش رو با دکتر عباس قادری، دانشیار گروه زمین‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، از منظر زمین‌شناسی سیاسی به بررسی این پرسش پرداخته‌ایم که چگونه فرامتن مناقشه‌های دامنه‌دار میان ایران و قدرت‌های غربی – و در خط مقدم آن، جنگ‌های پیدا و پنهان با ایالات متحده و رژیم صهیونیستی – در جایی بسیار بالاتر از پوسته نازک روابط دیپلماتیک، تنش‌های نیابتی با پرونده‌های نخ‌نمای سیاسی-امنیتی رخنمون پیدا می‌کند.

■ **ایران سید کامل مواد اولیه صنعتی جهان**



عباس قادری، عضو هیئت علمی گروه زمین‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد با اشاره به محور اصلی تنش‌ها میان ایران و بلوک شرارت گفت: «در چهار دهه گذشته، هر گاه سخن از تنش میان ایران و آمریکا یا رژیم صهیونیستی به میان آمده، محور اصلی روایت‌های رسمی بر چند مفهوم عمده شامل برنامه هسته‌ای، امنیت منطقه‌ای، برنامه موشکی، حقوق بشر و حمایت از گروه‌های همسود منطقه استوار بوده است. این عوامل بی‌تربید بخشی از واقعیت موجود را تشکیل می‌دهند، اما پرسش اساسی این است که آیا این متغیرها به تنهایی می‌توانند توضیح دهند که چرا ایران، بیش از بسیاری از کشورهای دیگر، در کانون فشارهای ژئوپلیتیکی قرار گرفته است؟».

وی افزود: «از منظر علم زمین‌شناسی سیاسی، پاسخ به این پرسش مستلزم توجه به لایه‌ای عمیق‌تر از رویدادهای روزمره

است. تاریخ نشان می‌دهد بسیاری از رقابت‌های بزرگ قدرت، در نهایت با جغرافیا، انرژی، مواد خام و منابع راهبردی گره خورده‌اند.

از جنگ‌های استعماری قرن نوزدهم تا منازعات نفتی قرن بیستم و رقابت‌های معدنی قرن بیست و یکم، منابع طبیعی همواره یکی از پایه‌های اصلی قدرت ملی بوده‌اند».

قادری با بیان ظرفیت‌های طبیعی و خدادادی ایران گفت: «ایران نه تنها یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفت و گاز، بلکه مجموعه‌ای کم‌نظیر از انواع فلزات پایه و مواد معدنی حیاتی را در خود جای داده است. از منظر زمین‌شناسی اقتصادی، منابع زمینی ایران را می‌توان دست‌کم در پنج گروه عمده شامل هیدروکربورها، فلزات پایه، مواد معدنی راهبردی، مواد ساختمانی و سرامیکی و مواد شیمیایی و کشاورزی طبقه‌بندی کرد. وضعیتي که تنها در تعداد معدودی از کشورهای جهان مشاهده می‌شود و از کشور ما یک «سید کامل مواد اولیه صنعتی» ساخته است. علاوه بر این، سرزمین ما برخوردار از عناصر حیاتی برای فناوری‌های نوین و مسیرهای ژئواستراتژیک تجارت جهانی است و هنگامی که این مؤلفه‌ها در کنار توانمندی‌های فناورانه، ظرفیت صنعتی و موقعیت جغرافیایی قرار می‌گیرند، تصویری متفاوت از جایگاه ایران در نظام بین‌الملل آشکار می‌شود».

■ **ایران یکی از بزرگ‌ترین خزانه‌های انرژی جهان**

این زمین‌شناس با تشریح ظرفیت‌های نفتی ایران اظهار کرد: «هر گونه تحلیل ژئوپلیتیکی درباره ایران ناگزیر باید از نفت و گاز آغاز شود. ایران با بیش از ۲۰۸ میلیارد بشکه ذخیره اثبات‌شده نفت خام، حدود ۱۲ درصد نفت شناخته‌شده جهان را در اختیار دارد و پس از ونزوئلا و عربستان سعودی در جایگاه سوم جهانی قرار می‌گیرد. ارزش نظری این ذخایر ده‌ها تریلیون دلار است، اما اهمیت واقعی نفت ایران صرفاً در ارزش اقتصادی آن نیست. نفت در جهان امروز هنوز مهم‌ترین سوخت حمل و نقل، صنایع پتروشیمی و بخش مهمی از اقتصاد جهانی است و کشوری که چنین سهمی از ذخایر را دارد، ناگزیر در معادلات قدرت جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت».

قادری افزود: «در کنار نفت، ایران با حدود ۳۴ تریلیون مترمکعب ذخیره گاز طبیعی، دومین دارنده بزرگ ذخایر گاز جهان محسوب می‌شود. اهمیت این موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم بسیاری از کشورهای صنعتی جهان در حال جایگزینی زغال سنگ با گاز طبیعی هستند و گاز به عنوان سوخت انتقالی دوران گذار انرژی شناخته می‌شود. در چنین شرایطی، کشوری که دومین ذخایر جهان را در اختیار دارد، یکی از بازیگران اصلی امنیت انرژی جهانی است و نقشی بسیار مهم‌تر از یک تولیدکننده انرژی خواهد داشت. نماد این جایگاه میدان عظیم پارس جنوبی است، بزرگ‌ترین میدان گازی فراساحلی جهان که ستون فقرات تولید گاز

ایران را تشکیل می‌دهد و بخش عمده برق، صنایع پتروشیمی و مصرف داخلی کشور به آن وابسته است».

■ **فراتر از نفت، ایران به عنوان یک قدرت معدنی**

این تحلیلگر حوزه زمین‌شناسی سیاسی، بیان کرد: «یکی از خطاهای رایج در تحلیل‌ها آن است که ایران فقط به عنوان یک کشور نفتی معرفی می‌شود. واقعیت آن است که ایران یکی از متنوع‌ترین سرزمین‌های غنی از مواد معدنی جهان به شمار می‌رود. قرار گرفتن ایران در کمربند کوه‌زایی آلپ- هیمالیا و تاریخ پیچیده زمین‌ساختی آن، شرایطی را ایجاد کرده که طیف گسترده‌ای از کانسارهای فلزی و غیرفلزی در سراسر کشور شکل بگیرند. از مس وروی تا آهن، طلا، کرومیت، سرب، منگنز، تیتانیوم و عناصر نادر خاکی، منابع معدنی و ثروت ملی هنگفتی هستند که سرزمین ما از آن بهره‌مند است و از این نظر جایگاه ویژه و بسیار کم‌نظیری در دنیا دارد».

وی افزود: «در حوزه مس، ایران یکی از مهم‌ترین کشورهای جهان به شمار می‌رود. کمربند ماگمایی ارومیه- دختر که از آذربایجان تا کرمان امتداد یافته است، از غنی‌ترین کمربندهای مس دار دنیا محسوب می‌شود. برخی برآوردها منابع مس شناخته شده ایران را معادل حدود ۵ درصد کل ذخایر جهان و رتبه پنجم جهانی معرفی کرده و ایران را در میان بزرگ‌ترین ذخایر جهانی قرار می‌دهند. در مورد روی نیز وضعیت مشابهی وجود دارد و به عقیده برخی متخصصان، ایران در رتبه ششم برخوردار از ذخایر روی جهان قرار دارد. معدن مهدی‌آباد یردنه تنها بزرگ‌ترین ذخیره روی ایران بلکه یکی از ذخایر کلاس جهانی روی در سطح بین‌المللی بوده و در اغلب مطالعات به عنوان بزرگ‌ترین ذخیره روی از نوع خاص خود در جهان معرفی شده است».

قادری تصریح کرد: «ایران با حدود ۳/۸ میلیارد تن ذخایر شناخته‌شده سنگ آهن، بر اساس برخی برآوردهای بین‌المللی، در میان ۱۰ دارنده نخست ذخایر سنگ آهن جهان قرار دارد. این ذخایر که عمدتاً در ایران مرکزی و شرق کشور متمرکز هستند، پشته‌ا نه توسعه صنعت فولاد ایران محسوب می‌شوند؛ صنعتی که طی دو دهه اخیر به یکی از ارکان اصلی اقتصاد معدنی کشور تبدیل شده است». وی افزود: «علاوه بر مس، روی و سنگ آهن، ایران در حوزه مواد معدنی ساختمانی و صنعتی نیز جایگاهی ممتاز دارد. ذخایر عظیم سنگ آهک، گچ، شن و ماسه، خاک‌های صنعتی، باریت و سایر مواد معدنی غیرفلزی موجب شده‌اند بسیاری از نیازهای صنایع ساختمانی، سیمان، سرامیک و زیرساختی کشور از منابع داخلی تأمین شود. ایران از نظر تولید گچ در زمره کشورهای پیشرو و رتبه یک جهان قرار دارد و صنعت سیمان کشور نیز با ظرفیت تولید سالانه حدود ۹۰ میلیون تن، یکی از بزرگ‌ترین صنایع معدنی خاورمیانه محسوب می‌شود.

این ظرفیت‌ها اگرچه معمولاً کمتر از نفت و فلزات مورد توجه قرار می‌گیرند، اما نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه زیرساختی و صنعتی کشور دارند».

■ **ایران؛ انبار مواد خام صنعتی جهان**

قادری با بیان اهمیت عناصر معدنی خاص گفت: «حضور طیف گسترده‌ای از عناصر مورد نیاز صنایع پیشرفته از جمله تیتانیوم، نیوبیوم، آنتیمون، عناصر خاکی کمیاب، اورانیوم و سایر مواد معدنی راهبردی که در صنایع هوافضا، سامانه‌های دفاعی، توربین‌های بادی، تجهیزات الکترونیکی پیشرفته، فناوری‌های انرژی پاک و صنایع نوین کاربرد دارند، کشور را در زمره سرزمین‌های دارای سید متنوع مواد اولیه مورد نیاز فناوری‌های جدید قرار داده است. با توجه به رقابت فزاینده قدرت‌های جهانی برای دسترسی به این مواد، اهمیت ژئوپلیتیکی چنین ذخایری در دهه‌های آینده احتمالاً بیش از پیش افزایش خواهد یافت. سرب، کرومیت، باریت، زغال‌سنگ، طلا و ده‌ها ماده معدنی دیگر نیز بخش دیگری از این توان معدنی قدرتمند هستند. این تنوع معدنی موجب‌شده ایران صرفاً یک قدرت انرژی نباشد، بلکه به عنوان یکی از مهم‌ترین انبارهای مواد خام صنعتی جهان نیز شناخته شود».

■ **آغاز عصر جدید: ژئوپلیتیک مواد معدنی حیاتی**

دکتر قادری با اشاره به اهمیت مواد معدنی حیاتی در آینده قرن ۲۱ اظهار کرد: «از قرن بیستم را قرن نفت بنامیم، قرن بیست و یکم به احتمال زیاد قرن مواد معدنی حیاتی خواهد بود. امروزه رقابت قدرت‌های بزرگ تنها بر سر نفت و گاز نیست، خودروهای برقی، سامانه‌های ذخیره انرژی، هوش مصنوعی، صنایع فضایی، تجهیزات مخابراتی، توربین‌های انرژی و فناوری‌های دفاعی پیشرفته، همگی به مواد معدنی خاصی وابسته‌اند که در ادبیات جدید با عنوان «مواد معدنی حیاتی» شناخته می‌شوند. مس، نیکل، کبالت، عناصر خاکی کمیاب، گرافیت، تیتانیوم، نیوبیوم و ده‌ها عنصر دیگر به تدریج جایگاهی مشابه نفت در قرن گذشته پیدا کرده‌اند. رقابت آمریکا و چین بر سر زنجیره تأمین این مواد، تشکیل ائتلاف‌های معدنی جدید و سرمایه‌گذاری گسترده قدرت‌های جهانی در آفریقا و آمریکای لاتین، همگی نشانه‌های این تحول هستند».

وی افزود: «ایران نیز در این عرصه از ظرفیت‌های قابل توجهی برخوردار است. وجود ذخایر تیتانیوم، عناصر نادر، فلزات راهبردی و ظرفیت‌های معدنی هنوز اکتشاف نشده، جایگاه ویژه‌ای برای کشور ما ایجاد کرده است. هرچند درباره برخی ادعاها نظیر ذخایر لیتیمو باید با احتیاط علمی سخن گفت، اما اصل موضوع تغییرری نمی‌کند؛ ایران یکی از مهم‌ترین کشورهای دارای تنوع مواد معدنی راهبردی در منطقه و جهان است».

■ **اورانیوم؛ ارزش واقعی در دانش نهفته است، نه در ماده**

این زمین‌شناس با بیان اهمیت راهبردی اورانیوم در نگاه ژئوپلیتیکی تصریح کرد: «در میان همه مواد معدنی، شاید هیچ ماده‌ای به اندازه اورانیوم بار ژئوپلیتیکی نداشته باشد. از دیدگاه اقتصادی، ارزش بازاری چند صد کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده در مقایسه با ارزش نفت، گاز یا حتی برخی فلزات گرانبها چندان چشمگیر نیست، اما اهمیت اورانیوم هرگز در قیمت آن خلاصه نشده است. اهمیت واقعی اورانیوم در فناوری نهفته در پشت آن است. دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته‌ای از اکتشاف و استخراج اورانیوم گرفته تا تبدیل، غنی‌سازی و تولید سوخت، مستلزم دهه‌ها سرمایه‌گذاری علمی، صنعتی و مهندسی است و تنها تعداد معدودی از کشورها در جهان توانسته‌اند چنین چرخه‌ای را به صورت بومی توسعه دهند».

قادری تأکید کرد: «از این منظر، اهمیت ذخایر اورانیوم ایران یا چند صد کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی که در سال‌های اخیر به موضوعی محوری در مذاکرات و منازعات تبدیل شده، بیش از آنکه اقتصادی باشد، فناورانه و راهبردی است. این مواد برای قدرت‌های جهانی و دشمنان خارجی ماصراً چند صد کیلوگرم ماده معدنی نیستند، بلکه نشانه‌ای از توان علمی، صنعتی و فناورانه یک کشور محسوب می‌شوند. به همین دلیل است که مناقشه هسته‌ای ایران را نمی‌توان صرفاً نزاعی بر سر مقدار مشخصی ماده هسته‌ای دانست. آنچه محل مناقشه است، تاحد زیادی به موضوع استقلال فناورانه و شکستن انحصارهای تاریخی در حوزه فناوری‌های پیشرفته مربوط می‌شود».

■ **جغرافیا؛ ثروتی که روی ثروت قرار گرفته است**

دکتر قادری با بیان اهمیت جغرافیایی ایران گفت: «ایران در نقطه اتصال خلیج فارس، دریای عمان، آسیای مرکزی، قفقاز، شبه‌قاره هندو شرق مدیترانه قرار گرفته است. تنگه هرمز که بخش مهمی از تجارت جهانی نفت از آن عبور می‌کند، در مجاورت و تحت کنترل ایران قرار دارد و هر گونه ناامنی در این گذرگاه می‌تواند آثار جهانی برجای بگذارد. در جریان بحران‌های اخیر نیز بازارهای جهانی بارها نسبت به اختلال در این مسیر واکنش شدیدی نشان داده‌اند. همزمان، کریدورهای بین‌المللی شمال- جنوب و طرح‌های جدید اتصال تجاری نیز بر اهمیت ژئوپلیتیکی ایران افزوده‌اند. در جهانی که رقابت بر سر مسیرهای انتقال انرژی و کالا رو به افزایش بوده، جغرافیای ایران خود به یک دارایی راهبردی تبدیل شده و اهمیت به مراتب بیشتر از هر نوع سلاح هسته‌ای پیدا کرده است».

■ **ایران پدیده کم‌نظیر در ژئوپلیتیک جهان امروز**

دکتر قادری افزود: «از دیدگاه زمین‌شناسی سیاسی، خطاست اگر تصور کنیم منازعه بر سر ایران تنها به برنامه هسته‌ای یا تنها به نفت و گاز محدود می‌شود. واقعیت پیچیده‌تر از این است. ایران کشوری است که همزمان از ذخایر عظیم نفت و گاز، تنوع کم‌نظیر مواد معدنی، موقعیت ممتاز ترانزیتی، اشراف بر یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان و ظرفیت‌های فناورانه راهبردی برخوردار است. هریک از این عوامل به تنهایی برای جلب توجه قدرت‌های جهانی کافی است. اما اجتماع همه آن‌ها در یک سرزمین، پدیده‌ای کم‌نظیر ایجاد کرده است». وی با بیان ارزش دلاری منابع طبیعی ایران خاطر نشان کرد: «برخی برآوردهای اقتصادی، ارزش بالقوه مجموع منابع طبیعی ایران را در حدود ۲۷ تریلیون دلار تخمین می‌زنند و کشور ما را در میان پنج قدرت نخست جهان در نظر ثروت طبیعی قرار می‌دهند. هرچند این برآوردها به روش محاسبه و قیمت‌های جهانی نیز وابسته هستند، اما در یک نکته تردیدی باقی نمی‌گذارند؛ اینکه ایران از معدود کشورهایی است که به طور همزمان از ذخایر عظیم نفت و گاز، فلزات پایه، مواد معدنی راهبردی، ظرفیت‌های قابل توجه معدنی غیرفلزی و موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی برخوردار است. به همین دلیل، هر تحلیلی که بخواهد جایگاه ایران را در معادلات جهانی توضیح دهد، ناگزیر باید زمین‌شناسی، جغرافیا، انرژی، معدن و فناوری را در کنار سیاست و امنیت مطالعه کند. نقشه زمین‌شناسی ایران، فراتر از یک سند علمی، بخشی از نقشه قدرت ایران در قرن بیست و یکم نیز هست. از سوی دیگر، با وجود جایگاه کم‌نظیر ایران در میان کشورهای برخوردار از منابع طبیعی، یک واقعیت قابل تأمل وجود دارد. سهم مستقیم بخش معدن در تولید ناخالص داخلی ایران ۰/۶ درصد برآورد می‌شود و حتی با احتساب صنایع معدنی پایین‌دستی نیز فاصله محسوسی با کشورهای معدن‌محوری مانند استرالیا، شیلی و کانادا دارد. این شکاف میان ثروت بالقوه و ارزش بالفعل نشان می‌دهد مسئله اصلی ایران صرفاً برخوردار از منابع نیست، بلکه توانایی تبدیل این منابع به فناوری، فرآوری، زنجیره ارزش، اشتغال و قدرت اقتصادی پایدار است».

به زودی بانک‌های ملت، سامان و صادرات به سامانه نظارت بر سکوهای طلا متصل خواهند شد

خزانه فعالیت کند. فهرست خزانه‌های مورد تأیید نیز اطلاع‌رسانی عمومی می‌شود. بر اساس این ضوابط سکوها برای تحویل شمش طلا و نقره استاندارد می‌توانند با خزانه‌های مورد تأیید بانک مرکزی همکاری کنند. تحویل و دریافت شمش طلا، فرایندهای اصالت‌سنجی و بیمه، تحویل طلا به مشتریان سکوها توسط خزانه و همچنین ایجاد و تغییر ظرفیت فروش سکوها در سامانه‌های فروش در این ضوابط پیش‌بینی شده است. در همین راستا رئیس مرکز بهبود محیط کسب‌وکار وزارت اقتصاد نیز به‌تازگی از سه اقدام دولت برای ساماندهی بازار طلا و جواهر به‌ویژه در حوزه فروش برخط خبر داده بود. نخستین اقدام، فعال‌سازی مجدد ثبت درخواست مجوز فروش برخط طلا در درگاه ملی مجوزهاست؛ دومین اقدام، راه‌اندازی سامانه نظارتی بانک مرکزی با هدف جلوگیری از تضییع حقوق مصرف‌کنندگان و مقابله با خالی‌فروشی عنوان شده و سومین تصمیم نیز تفکیک مجوز فروش مصنوعات طلا از مجوز فروش طلای آب‌شده است.

عملیات اتصال سه بانک ملت، سامان و صادرات زیر نظر کارگروه ماده ۱۸ ضوابط سکوها طلا و نقره زیر نظر ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز به سامانه ناظر سکوها طلا در مراحل پایانی اجرا قرار دارد.

بر این اساس بانک‌های ملت، سامان و صادرات پس از تست‌های اولیه، فرایند عقد قرارداد با سکوها طلا و نقره را شروع می‌کنند. با اتصال این سه بانک، انحصارزدایی از خزانه سکوها طلا شروع می‌شود هر چند با توجه به حساسیت موضوع، فرایندهای اجرایی مقداری زمان‌بر خواهد بود.

۲۵ خرداد امسال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در راستای دستورالعمل اجرایی خرید و فروش برخط طلا و نقره و به درخواست فعالان این حوزه، ضوابط جدیدی را در زمینه خزانه‌داری شمش طلا و نقره توسط اشخاص حقوقی مورد تأیید بانک مرکزی برای سکوها برخط خرید و فروش طلا و نقره مصوب کرد. بر این اساس مؤسسه اعتباری دارای تأییدیه نهایی صلاحیت امنیتی انتظامی، مجاز است پس از تأیید بانک مرکزی به عنوان

بدهی فروشگاه‌های طرف قرارداد کالابرگ در حال تسویه است

انجام و مبلغ کالابرگ به حساب این دسته از فروشگاه‌ها نیز واریز خواهد شد.

معاون وزیر تعاون همچنین تأکید کرد: روند پرداخت‌ها به فروشگاه‌های طرف قرارداد کالابرگ به طور مستمر و طی روزهای آتی در حال انجام بوده و انتظار است فروشگاه‌ها همکاری لازم را داشته باشند. در روزهای آینده که وصول منابع دولت تسریع یافت، تسویه‌ها به طور مستمر انجام خواهد شد و جای نگرانی نیست. اندایش خبر داد: ما به فروشگاه‌های زنجیره‌ای و شرکت‌های حقوقی که چند شعبه دارند و فروشگاه‌های خردی که بالاتر از یک میلیارد تومان فروش کالابرگی در ماه دارند تا پایان شهریور مهلت داده‌ایم تا با سامانه فروشگاه‌به شبکه ملی کالابرگ متصل شوند.

وی تصریح کرد: باقی فروشگاه‌های خردی که پایین‌تر از یک میلیارد تومان فروش کالابرگی در ماه دارند تا آخر آذر ماه فرصت خواهند داشت که حتماً سامانه صندوق فروشگاه‌ای را نصب کنند تا رصد و پایش آن‌ها از طریق شبکه ملی کالابرگ انجام شود.

معاون رفاه و زیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از تسویه حساب بدهی و معوقات فروشگاه‌های طرف قرارداد عرضه کالابرگ خبر داد.

یعقوب اندایش اعلام کرد: از ۲۸ تیر سال جاری به تناسب اعتبار تخصیص یافته از سوی دولت، بدهی و معوقات فروشگاه‌های طرف قرارداد عرضه کالابرگ آغاز شده است.

وی افزود: اعتبار مورد نیاز پرداخت این بدهی از محل اعتبارات پشتیبانی تأمین شده است.

وی پیش‌تر از تسویه مطالبات فروشگاه‌های طرف قرارداد طرح کالابرگ الکترونیکی تا تاریخ ۲۵ تیر ماه خبر داده و گفته بود: با پیگیری‌های انجام شده پرداخت‌های کالابرگی به فروشگاه‌ها بر اساس منابع دریافتی از بانک مرکزی به صورت مستمر و روزانه انجام می‌شود و روند تسویه مطالبات سایر فروشگاه‌ها نیز ادامه خواهد داشت.

وی ادامه داد: حساب بانکی برخی فروشگاه‌ها در بانک‌هایی بود که به مشکل برخورد بودند و این دسته فروشگاه‌ها تا این لحظه وصول قطعی را نداشته‌اند، اما با پیگیری‌های انجام شده روند پرداخت